

The Impact of Government Fiscal Policies on Civil Rights in Iraq after 2003

Mahdi Saleh Hadi Al-Ghazal¹, Mohammad Reza Aqarabparast^{2*}, Amer Hassan Fayyad³,
Bashir Esmaili⁴

Received:2024/09/04

Accepted:2024/11/01

Research Article

Abstract

Financial policies are considered to be the main tools in economic reform policymaking. If they are used correctly and with a proper understanding of the target society's situation, they can effectively reduce problems and challenges. In the period after the fall of Saddam, the Iraqi government tried to establish financial institutions, formulate regular laws, and implement reformative fiscal policies to improve the country's economic situation and promote the country's human rights situation within the framework of a democratic system. However, in practice, this faced serious challenges, the most obvious of which was the intensification of poverty and unemployment. In this article, the authors, relying on the method of causal analysis, seek to answer the question of what impact the Iraqi government's financial policies have had on the realization of human rights in the country in the period from 2003 to 2024. The article's findings indicate that implementing new financial policies based on privatization, economic liberalization, and government downsizing practically failed due to their incompatibility with the crisis-ridden Iraqi society, which required serious government support. The significant increase in poverty and unemployment rates, which resulted from the inability of the war-damaged industrial and agricultural sectors and the activities of terrorist groups to absorb the large number of unemployed people in Iraqi society, further complicated the situation in Iraq. As a result, when the lower classes of society were struggling with poverty to secure a minimum livelihood, it was naturally not possible for them to participate in politics and realize basic citizenship rights. Thus, the failure of the Iraqi government's new financial policies led to the weakness of realizing citizenship rights in Iraq.

Keywords: Citizenship rights, Financial policy, International organizations, Iraq, National security

Al-Ghazal, M. S. H., Aqarabparast, M. R., Fayyad, A. H., & Esmaili, B. (2024). The Impact of Government Fiscal Policies on Civil Rights in Iraq after 2003. *Journal of Political and International Research*, 16(61), pp.57-70.

¹ Ph.D. Student in Public Policy, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. mehdi88175@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. aghareb@iaush.ac.i

³ Professor, Department of Political Science, University College. CV@nahrainuniv.edu.iq

⁴ Assistant Professor, Department of Political Science and International Relations, Shahreza Branch, Islamic Azad University, Shahreza, Iran. bashir_esmaeli@yahoo.com



تأثیر سیاست های مالی دولت بر حقوق شهروندی در عراق بعد از سال ۲۰۰۳ میلادی

مهدی صالح هادی ال الغزال^۱، محمد رضا اقارب پرست^{۲*}، عامر حسن فیاض^۳، بشیر اسماعیلی^۴

مقاله پژ هشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴ تا بیخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۱
--------------	--

چکیده

سیاست های مالی در ضمیره ابزارهای اصلی در سیاست گذاری اصلاح اقتصادی به شمار می‌روند و در صورتی که به درستی و با درک صحیح از وضعیت جامعه هدف به کار گرفته شوند می‌توانند در کاهش مشکلات و چالش ها تأثیر گذار باشند. دولت عراق در دوره پس از سقوط صدام تلاش کرد تا ایجاد ارگان های مالی، تدوین قوانین منظم و اجرای سیاست های مالی اصلاحی وضعیت اقتصادی کشور را بهبود بخشد و در قالب یک نظام دموکراتیک وضعیت حقوق بشر را در کشور ارتقا دهد. اما در عمل این امر با چالش های جدی روبرو شد که بارزترین آن تشدید فقر و بیکاری بود. در این مقاله، نویسندگان با تکیه بر روش تحلیل رابطه علی درصدد پاسخگویی به این سؤال هستند که سیاست های مالی دولت عراق در دوره پس از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ چه تأثیری بر تحقق حقوق بشر در این کشور داشته است؟ یافته‌های مقاله حاکی از آن است که اجرای سیاست های مالی جدید مبتنی بر خصوصی سازی، آزاد سازی اقتصاد، و کوچک کردن دولت به دلیل عدم انطباق با جامعه بحران زده عراق که نیازمند حمایت جدی دولت بود عملاً با شکست روبرو شد. افزایش چشمگیر نرخ فقر و بیکاری که ناشی از ناتوانی بخش صنعت و کشاورزی آسیب دیده از جنگ و فعالیت های گروههای تروریستی در جذب خیل عظیم بیکاران در جامعه عراقی بود وضعیت را در عراق پیچیده تر کرد. و نتیجه اینکه زمانی که طبقات فرودست جامعه برای تأمین حداقل معیشت با فقر دست به گریبان بودند طبیعتاً امکان مشارکت سیاسی و احقاق حقوق اولیه شهروندی برای ایشان میسر نبود. بدین ترتیب شکست سیاست های مالی نوین دولت عراق به ضعف احقاق حقوق شهروندی در عراق منجر شد.

واژگان کلیدی: سیاست مالی، حقوق شهروندی، امنیت ملی، ارگان های بین المللی، عراق

ال الغزال؛ مهدی صالح هادی، اقارب پرست؛ محمد رضا، فیاض؛ عامر حسن، اسماعیلی؛ بشیر (۱۴۰۳). تأثیر سیاست های مالی دولت بر حقوق شهروندی در عراق بعد از سال ۲۰۰۳ میلادی. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۶۱، صفحات ۷۰-۵۷.

^۱ دانشجوی دکتری سیاست گذاری عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. mehdi88175@gmail.com

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران aghareb@iaush.ac.ir

^۳ پروفیسور، گروه علوم سیاسی، کالج دانشگاه الامال، بغداد، عراق. CV@nahrainuniv.edu.iq

^۴ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، واحد شهرضا، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرضا، ایران bashir_esmaeili@yahoo.com

مقدمه

عراق پس از سال ۲۰۰۳ با اعمال اصلاحات سیاسی و اقتصادی وارد مرحله جدیدی از بازسازی اقتصاد شد و این امر به منظور بازسازی ارگان های دولت عراق که پس از حمله آمریکا کاملاً ویران شده بودند، صورت پذیرفت؛ چرا که اقتصاد عراق از مشکلات و فساد عمده ای در ساختار رنج می برد. این بازسازی در یک نظام سیاسی دموکراسی تازه پا گرفته صورت پذیرفت که تلاش می کرده به سوی عدالت، برابری، احترام به حقوق بشر، و حاکمیت قانون حرکت کند. بدین منظور قوانینی اصلاحی برای سیاست های اقتصادی، پولی و تجاری تدوین شد تا به رفع مشکلات اقتصادی موجود بپردازد.

دستاورد تغییر در نوع حکومت، و تغییر در تصمیمات سیاسی و اقتصادی آن باعث شد که اقتصاد عراق راه خود را برای ارتباط معنی دار با دنیای خارج بگشاید و روش مدیریت اقتصاد را از تمرکزگرایی فراگیر به سوی اقتصادی که در خدمت عراق و ملت عراق باشد، تغییر بدهد (خلیل اسماعیل، ۲۰۰۶: ۷۰). اما اقتصاد عراق از نابسامانی های اقتصادی و همچنین جهت گیری متناقض سیاست های متعدد اقتصادی به ویژه (سیاست مالی) آسیب زیادی دید که در نتیجه آن به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه باقی ماند در عین حال تلاش می کرد تا در راستای تعالی حقوق بشر در کشور نیز حرکت کند.

علیرغم در آمد نفتی زیادی که از سال ۲۰۰۳ به کشور عراق راه می یافت، شهروندان عراقی به از درآمد سرانه پائینی نسبت به کشورهای در حال توسعه برخوردار بودند. دلیل این امر را می توان در ضعف سیاست های مالی و اعتباری و مشکلات بروکراتیک جستجو کرد. علاوه بر آن، فقر و بیکاری و تورم، بدهی های خارجی، فساد اداری و مالی و مشکلات دیگر اقتصادی جستجو کرد. این مشکلات بر حقوق انسانی شهروندان عراقی تأثیر گذار بود (Smith, 2015: 48).

پر واضح است که سیاست های مالی یک دولت به طور مستقیم بر حقوق بشر در کشور تأثیرگذار است زیرا این سیاست ها تعیین کننده توزیع منابع و خدمات عمومی هستند. از آنجایی که درآمدهای نفتی نقش بزرگی در بودجه دولت دارند، نحوه مدیریت و استفاده از این درآمدها بر وضعیت اجتماعی و اقتصادی شهروندان تأثیر مستقیم می گذارد. اگر سیاست های مالی ناکارآمد باشند یا از شفافیت لازم برخوردار نباشند، این امر می تواند منجر به فقر، بیکاری و نابرابری اجتماعی شود. به ویژه در کشوری مانند عراق که در سه دهه اخیر با چالش های اقتصادی و اجتماعی متعددی روبرو بوده، ناتوانی در توزیع عادلانه منابع می تواند حقوق اساسی شهروندان را تهدید کند (Smith, 2015: 55).

علاوه بر این، فساد اداری و مشکلات بروکراتیک در سیاست های مالی می تواند دسترسی به خدمات ضروری مانند بهداشت، آموزش و امنیت را به شدت محدود کند. وقتی دولت نتواند به درستی برای نیازهای مردم برنامه ریزی کند و خدمات را به صورت فراگیر و برابر ارائه دهد، این ناکارآمدی به نقض حقوق بشر منجر می شود. در نهایت، عدم توجه به حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان موجب افزایش نارضایتی ها و بحران های اجتماعی می شود که خود می تواند به نقض بیشتر حقوق بشری بینجامد. بنابراین، مدیریت صحیح و شفاف منابع مالی در عراق نه تنها برای رشد اقتصادی ضروری است بلکه برای حفظ و ارتقاء حقوق بشر نیز حیاتی می باشد.

بر این اساس این پژوهش تلاش می کند تا نقش سیاست های مالی دولت عراق را بر تحقق حقوق بشر در این کشور مورد مطالعه قرار دهد. از این رو به بررسی شرایط حاکم بر سیاست مالی حکومت های متوالی عراق و تأثیر آن بر حمایت و تحکیم حقوق بشر در عراق مورد پرداخته می شود و در این بین تاثیر مؤسسات مالی داخلی و بین المللی در این خصوص در بازه زمانی پس از سال ۲۰۰۳ مورد بررسی قرار می گیرد. در این راستا تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که سیاست های مالی دولت عراق در دوره پس از ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ چه تاثیری بر تحقق حقوق بشر در این کشور داشته است؟ با تکیه بر روش تحلیل رابطه علی در این تحقیق تلاش می شود تا تاثیر سیاست های مالی دولت عراق به عنوان متغیر مستقل بر وضعیت حقوق بشر در این کشور به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱- سیاست های اقتصادی و مالی عراق پس از سقوط صدام

به طور عام سیاست های اقتصادی که برای آینده برنامه ریزی می شوند، در جهت شناخت، برنامه ریزی، و تحقق فعالیت های اقتصادی قابل انجام گام بر میدارند و به طور معمول شفاف بودن مسیر، نوید بخش عملی بودن و تحقق این سیاست هاست. زمانی که سیاست های مالی بیانگر اقدامات و قوانین و تدابیر کاربردی دولتی در جامعه باشد و همچنین با دیدگاه های ایدئولوژیک و فکری جامعه نیز هماهنگ باشد این سیاست ها استعداد بیشتری را برای رسیدن به مرحله عمل و تحقق پیدا می کنند (سعید، ۲۰۰۱: ۱۹). اهمیت سیاست مالی در اقدامات دولت در کاربست قواعد و راهکارها و تدابیر عملی است که در راستای تصمیمات مقتضی و در جهت اهداف اقتصادی صورت میگیرد و با در نظر گرفتن شرایط موجود و شرایط عینی و برهه زمانی مشخص به عرصه حضور می رسد. در نتیجه مفهوم سیاست اقتصادی، در راستای اهداف و ابزار و زمان مشخص حرکت می کند و در عین حال تصویری از آرمانهای اقتصادی دولت را منعکس می کند (المعموری، ۲۰۰۹: ۱۰۹).

در تدوین و اجرای هر خط مشی عمومی، دولت ها بر مجموعه ای از قوانین و قانونگذاری هایی تکیه می کنند که مرجع اصلی آنها در تنظیم این سیاست ها و تدوین راه حل آنها شکل می گیرد. قانون اساسی ضامن و مرجع قوانینی است که از منشورهای بین المللی و اصول حاکم بر تفکر یک ملت نشأت گرفته شده است. منظور از منشورهای بین المللی، منشور ملل متحده و میثاق های حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. مبنای این منشور در بردارنده مواد قانونی در زمینه حقوق و آزادی های اصولی است که رسالت خود را در حفاظت سازمان یافته قانون از حقوق و آزادی های مشروع مورد تأیید قرار داده اند.

در عین حال فقر و بیکار دو معضل اساسی هستند که می توانند هر سیاست اقتصادی را هر چند قوی و کارآمد با مشکل مواجه کنند. فقر، بیانگر وضعیت اقتصادی مرتبط با درآمد یا ثروت کم است که برآوردن نیازهای لازم برای بقا و رشد توانایی ها و پتانسیل های فرد را دشوار می کند. فقر، نشانگر عوارض اجتماعی است که آثاری از ذلت، محرومیت، سستی، و فقدان کرامت را برای انسان به ارمغان می آورد و منجر به ناتوانی شدید در بهره وری فرد و ناتوانی اش، در مشارکت در جنبش اقتصادی می شود. در نهایت منجر به هدر رفتن توان جامعه و بروز شدیدترین معضلات اجتماعی می شود.

مشکل بیکاری و فقر، پس از اعمال «تحریم های اقتصادی» از سوی سازمان ملل علیه مردم عراق پس از سال ۱۹۹۱ تشدید شد. تهاجم رژیم قبلی به کشور کویت، منجر به توقف بسیاری از پروژه های صنعتی و جلوگیری از واردات انواع فناوری ها، از جمله دستگاه های پزشکی، تجهیزات بیمارستانی و غیره به عراق شد (الحلفی، ۲۰۰۸: ۷۱).

هیچ بخشی از اقتصاد عراقی از جنگ مصون نماند و این مراکز در اثر تحریمها و جنگ، پروژه های صنعتی و خدماتی خود را تعطیل کردند. این اقدامی بود که توسط سازمان ملل با فشار ایالات متحده و متحدان اروپایی و غربی صورت گرفت. علاوه بر سیاست های رژیم سابق که توان اقتصادی عراق را به هدر داده بودند، ساختار اقتصادی در عراق نیز در اجرای سیاست های خود شکست خوردند. بنا براین فرصت های کاری کم شد و این منجر به بیکاری جوانان توانمند شد و به تشدید بیکاری در عراق منجر شد. این دوره را می توان دوره سیاه عراق نامید. با اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ و از بین رفتن ساختارهای سیاسی سابق و ویرانی کارخانجات عراق وارد مرحله جدیدی شد که تحت سیطره اقتصاد ویران قرار گرفت و پدیده بیکاری به شکل فزاینده ای در جامعه عراقی طغیان نمود. این امر، به معضلی تبدیل شد که دولت های متوالی نتوانستند راه حل مناسبی برای آن پیدا نکنند. این امر تأثیرات مخرب زیادی بر امنیت ملی عراق، به ویژه امنیت اجتماعی آن داشت. (هلال، عیسی، ۲۰۱۰: ۶۵).

۱-۱- اصلاحات اقتصادی در قالب خصوصی سازی، اقتصاد آزاد، و جذب سرمایه

به منظور حل این مشکلات در عراق پس از سال ۲۰۰۳ تغییری در ساختار مدیریت حکومت ایجاد شد و دولت تصمیمات سیاسی و اقتصادی متعددی اتخاذ کرد تا باب اقتصاد عراق را برای گشودن به دنیای خارج آماده کند و بدین منظور روش مدیریت کشور را تغییر داد. اقتصاد از تمرکزگرایی همه جانبه به اقتصادی که در خدمت مردم عراق باشد تغییر شکل داد. پس

از توقف عملیات نظامی و به دست گرفتن زمام قدرت توسط فرماندار غیرنظامی آمریکایی (پل برمر)، مقامات اشغالگر عراق تصمیمات و اصلاحاتی در زمینه اقتصادی و اجتماعی اتخاذ کردند، از جمله

آ. صدور قانون تنظیم کار بانک مرکزی و استقلال در کار آن از دولت.

ب. تغییر واحد پول موجود در آن زمان با ارز جدید.

ج. تهیه بودجه هنگفت توسط وزرای عراقی با تکیه بر اولویت های وزارتخانه ها.

د. اصلاح نظام حقوق و دستمزد بخش دولتی با ایجاد مقیاس جدید حقوق و دستمزد

و. صدور دستور العمل تسهیل و تسریع سرمایه گذاری خارجی در کشور (هلال، عیسی، ۲۰۱۰: ۷۶-۷۷).

در سال ۲۰۰۴، دولت عراق قراردادهای متعددی را با سازمان های مالی بین المللی (صندوق بین المللی پول و بانک جهانی) منعقد نمود و تلاش کرد تا با توجه به بحران ساختاری که اقتصاد این کشور از آن رنج می برد، از طریق کاربست سیاست های اصلاحی اقتصادی در عراق، راه حلی برای مشکلات عراق بیابد. این سیاست های اصلاح اقتصادی به سه محور تقسیم می شد: آزاد سازی تجارت با رفع کلیه محدودیت های گمرکی و اداری که به انتقال کالا، خدمات و سرمایه به عراق کمک می کرد. خصوصی سازی بخش دولتی: تبدیل موسسات اقتصادی دولتی به موسسات خصوصی از جمله بخش نفت و گشودن آن به روی عملیات سرمایه گذاری خارجی و شرکت های انحصاری خارجی.

کاهش هزینه های عمومی که از طریق لغو حمایت های دولتی از قیمت سوخت انجام شد و لغو سهمیه بندی غذا و دارو، سازمان دهی دستگاه های اجرایی کشور، اعمال فشار بر حقوق بازنشستگان و کاهش سایر هزینه ها را نیز در بر گرفت. مهمتر از همه تلاش دولت برای توسعه بخش خصوصی و خارج کردن اقتصاد از دست دولت بوده است.

۱-۲- مشکلات و پیامدهای خط مشی اصلاح اقتصادی

این اصلاحات اقتصادی در عین حال که راه را برای اثبات توانایی بخش خصوصی گشود، عواقب سختی را برای گروه های فقیر مردم عراق در پی داشت. از جمله این عواقب، افزایش قیمت فرآورده های نفتی و تلاش برای کاهش جیره اقلام کارتی بود که منجر به بهم خوردن تعادل هزینه و درآمد برای این گروه ها و افزایش فاصله طبقاتی شد. این مشکلات پیش از این نیز در کشورهایی که مسیر تحول به سمت اقتصاد بازار را بدون کنترل های موثر طی کرده اند تجربه شده است. نتیجه اینکه این امر منجر به گسترش مشکلات بیکاری و فقر در میان اقشار بزرگ مردم عراق گردید (سلام، ۲۰۱۲: ۱۳۹).

دولت عراق به منظور مواجهه با این مشکلات مجبور به توافق با نهادهای مالی بین المللی شد تا بدهی های عراق را از بین ببرد، زیرا این بدهی ها بدهی تجاری نبودند، بلکه بدهی های ناشی از جنگ های قبلی است که عراق را در سه دهه گذشته خسته کرده بود و این قرارداد با برنامه های خصوصی سازی و آزاد سازی بازار وارد عراق شد.

پدیده ضعف ارگان های سیاسی عراقی پس از سقوط صدام سبب گسترش خشونت در کشور و ابهام و اغماض در شرایط اداری و مالی شد و متعاقب آن ارگان های مسئول را بیش از پیش درگیر فساد کرد. این مساله به ناتوانی مردم در تصمیم گیری و عمل شد و زندگی مردم را دچار مصیبت مضاعف کرده درگیری های اجتماعی را افزایش داد. علاوه بر این، با افزایش وخامت اوضاع اقتصادی و افزایش فقر و بیکاری، بدبینی مردم نسبت به نظام حاکم افزایش یافت و این نارضایتی مردم را از رژیم عراق افزایش داد.

درک این مطلب ضروری است که ضعف سطح معیشتی شهروندان یک جامعه، سبب کاهش تجربه دموکراتیک و مشارکت سیاسی در آن جامعه خواهد شد چرا که زمانی که افراد درگیر مشکلات وضعیت زندگی خود باشند عملاً قادر نخواهند بود نقش موثری در جامعه ایفا کنند و متعاقباً مشارکت سیاسی در جامعه دچار اشکال می شود. جامعه عراق نیز از این قاعده مستثنی نبود و اصلاحات اقتصادی با ایجاد تغییر در اقتصاد عراق بخش های وسیعی از گروه های اجتماعی پائین تر را تحت

تأثیر خود قرار داد و تنش و اضطراب شدید بخشی از مردم ایجاد کرد. که پیش از این نیازمند حمایت دولت بودند و سیاست‌ها اصلاح اقتصادی نیز نتوانسته بود با چالش فقر این گروه مقابله کند (ناهی الحمدانی، ۲۰۱۸: ۷۸).

پس از سال ۲۰۰۳، وزارت برنامه‌ریزی به صورت فصلی و سالانه بررسی‌های اشتغال و بیکاری و نظرسنجی‌ها و گزارش‌هایی را که به معضل بیکاری می‌پرداخت، مانند بررسی وضعیت معیشتی، نقشه محرومیت، و راهبرد فقرزدایی را منتشر کرد. البته تعاریف مورد استفاده در آن نظرسنجی‌ها متفاوت بود که بر تخمین میزان بیکاری در کشور تأثیر می‌گذاشت، اما گزارش سازمان بین‌المللی کار حاکی از آن بود که «افراد بیکاری وجود دارند که بنا بر این گزارش، تمایل به انجام کار را دارند و سطح دستمزد غالب را پذیرا هستند؛ اما کاری برایشان وجود ندارد» (لزبیدی، ۲۰۱۶: ۱۱۰).

نرخ فقر در عراق در سال ۲۰۲۲ به ۲۵ درصد از کل جمعیت رسید، این درصد نسبت به سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ افزایش را نشان می‌داد البته یکی از مهمترین دلایل این افزایش همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ توقف فعالیت‌های اقتصادی و همچنین بحران اقتصادی بود که منجر به کاهش قیمت نفت و توقف پروژه‌ها شده بود (الزبیدی، حیدر نعمه، ۲۰۰۹: ۱۱۰).

این آمار و ارقام که نشانگر وجود مشکلات اساسی در وضعیت مردم است این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که شاید ضعف قانونی سبب بروز این مشکلات شده است. حال آنکه بررسی قوانین مصوب در عراق پس از سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که قانونگذار تلاش خود را برای حمایت از اقشار مردم به خصوص قشر آسیب‌پذیر جامعه انجام داده که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

بنا بر ماده یک اصل ۲۲ قانون اساسی اشتغال، حق همه مردم عراق است و ضمانت زندگی مناسبی را برای همه است. بنا بر ماده چهار اصل ۲۲ قانون اساسی، روابط بین کارگران و کارفرمایان را از نظر اقتصادی با در نظر گرفتن قواعد عدالت اجتماعی تنظیم می‌کند.

بنا بر آیین مصوبه شماره ۳۰ دولت عراق، امنیت اجتماعی و بهداشتی را برای عراقی‌ها در صورت پیری، بیماری، ناتوانی در کار، بی‌خانمانی، یتیم‌خانه یا بیکاری بر عهده دارد و از آنان در مقابل جهل، ترس و فقر حمایت می‌کند و برای آن مسکن فراهم می‌کند. برنامه‌های آموزشی ویژه برای توانبخشی و مراقبت از آنها توسط قانون تنظیم می‌شود (توفیق عباس، ۲۰۱۱: ۴۱).

به موجب ماده پنج اصل ۲۲ قانون اساسی کسانی که درآمد پائینی دارند، به موجب قانون برایشان مالیات خاص تعیین می‌شود، به طوریکه زندگی معیشتی آنان تحت تأثیر قرار نگیرد

به موجب ماده ۲۹ قانون حمایت از خانواده دولت حمایت از مادران و اطفال و سالمندان را تضمین می‌کند، از کودکان و جوانان مراقبت می‌کند و شرایط مناسب را برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های آنها فراهم می‌کند.

بنا بر اصل سوم قانون اساسی، بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در تمام اشکال آن ممنوع است و دولت برای حمایت از آنها اقدامات لازم اتخاذ می‌کند.

به موجب ماده ۳۰ قانون حمایت از خانواده دولت برای فرد و خانواده، به ویژه کودک و زن، امنیت اجتماعی و بهداشتی و الزامات اولیه زندگی آزاد و آبرومندانه را تضمین می‌کند و درآمد کافی و مسکن مناسب را برای آنها تضمین می‌کند

به موجب اصل ۳۱ قانون اساسی عراق، هر عراقی حق برخورداری از مراقبت‌های بهداشتی را دارد و وسایل پیشگیری و درمان با ایجاد انواع بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی توسط دولت تأمین می‌شود.

به موجب اصل ۳۲ قانون اساسی دولت از معلولان و افراد دارای نیازهای ویژه مراقبت می‌کند، توانبخشی آنها را به منظور ادغام آنها در جامعه تضمین می‌کند (سلام، ۲۰۱۲: ۴۵).

با توجه به ابتکارات دولت نوپای عراق در خصوص سیاست‌های عمومی رسمی، وزارتخانه‌های خدماتی مانند بهداشت، آموزش، کار و امور اجتماعی ایجاد شدند که ارائه خدمات به تمامی هموطنان بدون تبعیض در الویت کارشان بود. (مهار رحیم، ۲۰۱۲: ۱۳۹). اما تحولات سیاسی پس از سال ۲۰۰۳ و سابقه تحریم و جنگ موجب بدتر شدن وضعیت امنیتی عراق گشت و

تضعیف چرخه اقتصادی و کاهش خدمات توسعه اجتماعی دربر داشت و که در نتیجه آن دامنه بیکاری گسترده شد و پس از انحلال سرویس های امنیتی و ارتش عراق و به دلیل اقدامات تروریستی، تعداد بیوه، زنان، معلولان، آواره ها و زنان مطلقه به طور گسترده افزایش پیدا یافت بدین ترتیب وضعیتی پدید آمد که قانونگذاران به هیچ عنوان پیشبینی وقوع آن را نمی کردند و از این جهت امکان عملی کردن قوانین در حمایت از این خیل کثیر نیازمندان تا حد زیادی از دست رفت (ناهد، ۲۰۱۱: ۱۸).

۲- شکست سیاست بازار آزاد و خصوصی سازی

ویژگی های سیاست های عمومی پس از سال ۲۰۰۳ را می توان با این واقعیت تبیین نمود که عراق وارد دوره جدیدی از اقتصاد بازار آزاد شده است که در آن نقشی در اختیار بخش خصوصی قرار می گیرد که در گذشته در دسترس نبود. اما از سوی دیگر دولت از طریق بخش خدمات عمومی بر اکثر جنبه های زندگی به خصوص اقتصاد تسلط یافت. بدین ترتیب ویژگی های اقتصاد بازار به طور ناقص و تنها در دو زمینه مهم به شهروندان ارتباط می یافت (ناهد، ۲۰۱۱: ۲۲-۲۳).

عمل در جهت برداشتن و لغو تدریجی کارت های سهمیه.

لغو یارانه سوخت به نفع تامین مالی شبکه حمایت اجتماعی.

به طور کلی، سیاست کلان اجتماعی - اقتصادی در عراق با این مشکل مواجه بود که بایستی یکی از دو هدف، عدالت اجتماعی از یک سو و بازار آزاد و خصوصی سازی از سوی دیگر قربانی بشوند؛ یعنی یا با اتخاذ سیاست رفاهی برای دستیابی به الزامات اجتماعی و حمایت از محرومان، الزامات اصلاح اقتصادی مبتنی بر کوچک سازی دولت و رشد خصوصی سازی و حمایت از بازار آزاد به تعویق می افتاد و در صورت قربانی کردن عدالت اجتماعی، فضایی برای اقتصاد بازار ایجاد میشد تا حصول به اصلاحات اقتصادی که در خدمت نیازهای رفاهی بلندمدت بود، انجام پذیرد. بی تردید این انتخابی سخت برای دولت عراق به حساب می آمد زیرا بی توجهی به خیل عظیم محرومان، فقرا و بیکاران خطرات امنیتی جدی برای دولت به دنبال داشت.

از این رو دولت عراق تلاش کرد تا سیاست های مالی خاصی را برای برون رفت از این بحران به کار ببندد (نیری و وودز، ۲۰۱۰: ۵۰). این سیاست ها را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف- اقدامات کمی با هدف ایجاد ثبات در چارچوب کلان اقتصادی کشور.

ب- اقدامات ساختاری که با برنامه های دیگر متفاوت بود اما معمولاً شامل سیاست های مشخصی می شد که بخش های اقتصادی و اجتماعی را در بر می گرفت.

۳- راهکارهای اصلاحی دولت در حمایت از بخش های مختلف اقتصاد

یکی از برجسته ترین سیاست های مالی برای رسیدگی به بیکاری و فقر در عراق، برنامه های حمایت اجتماعی است که این مهم، از طریق شبکه حمایتگر اجتماعی برای ضعیف ترین اقشار جامعه و تحت پوشش وزارت کار و امور اجتماعی صورت می گرفت. سوبسید دولتی به آن دسته از برنامه هایی اطلاق می شود که به افراد و خانواده ها به ویژه فقرا و افراد آسیب پذیر در برابر فقر کمک می کنند تا بتوانند بر اثرات نامطلوب بلا یا و شرایط اضطراری فائق آیند. چنانچه می توان گفت که «شبکه های سوبسید اجتماعی، یکی از سازوکارهای امنیتی موقت اجتماعی هستند که برای کاهش فشارها (به نمایندگی از فقر، بیکاری، استاندارد پایین زندگی، بیماری ها و سالمندی) به کار گرفته می شود تا به گروه های اجتماعی که با کاهش میانگین رشد یا تطبیق برنامه های اصلاح اقتصادی متضرر می شوند، مساعدت برسانند؛ چرا که این مجموعه با همزیستی ساختاری و برنامه های خصوصی سازی در معرض خطر قرار می گیرند و یا در نتیجه جنگ ها و محاصره و تحریم ها یا قحطی به طبقات پائین اجتماع سقوط می کنند» (سالم، ۲۰۱۰: ۵۸).

۳-۱- راهکاری اقتصادی دولت در مبارزه با بیکاری

یکی از بارزترین سیاست‌های دولت در مقابله با مشکلات اقتصادی طبقه ضعیف جامعه اعطای وام به بیکاران و مساعدت به آنان در ایجاد پروژه‌های کوچک بود؛ چرا که این مساعدت می‌توانست در ایجاد فعالیت اقتصادی و ایجاد درآمدهای جدید و کاهش تعداد بیکاران مؤثر واقع شود و باعث توزیع عادلانه ثروت بین اقشار جامعه و افزایش قدرت به اقشار کم درآمد جامعه گردد. اما ارزیابی برنامه‌های سازماندهی شده حمایت اجتماعی در عراق، مشکلات عدیده‌ای در این زمینه نشان داد که برخی از این مشکلات عبارت بود از: (منعم، خضر، ۲۰۱۳: ۱۲۵).

عدم امکان جهت دهی دقیق حمایت‌های اقتصادی، زیرا یارانه‌ای که به خدمات اساسی (غذا، آموزش و بهداشت) تعلق می‌یافت به طور عام مورد استفاده قرار می‌گرفت و تضمینی وجود نداشت که فقط محرومان از آن بهرمنند شوند. مواردی که بر اساس قانون شایسته بهرمندی از حمایت دولت بودند بسیار بیشتر از تخمینی بود که در ابتدا زده شده بود یعنی طبق برآوردها هفت میلیون نفر به طور مستقیم نیازمند حمایت دولت بودند که عملاً هزینه هنگفتی را به دولت تحمیل می‌کرد (مسلم، ۲۰۱۴: ۱۱۳).

۳-۲- وام‌های بلاعوض برای پروژه‌های کوچک

مفهوم وام‌های بلاعوض برای پروژه‌های کوچک، حداقل مبالغ نقدی و خدمات مالی است که فقرا برای تامین مالی پروژه‌های خود از دولت دریافت می‌کنند. هدف از این سیاست‌های مالی، حمایت از بخش‌های اجتماعی با ارائه خدمات مالی به اقشار ضعیف اجتماع و اشخاص کم درآمد است. شکی نیست که وام‌های کوچک، برای گروه‌های کم‌درآمد سودمندتر است، زیرا وام‌های کوچک، فرد را قادر می‌سازد تا دارایی‌های جدید داشته باشد و فرصت‌های کسب درآمد برای افراد افزایش می‌یابد. (خلیل اسماعیل، ۲۰۱۱: ۷).

پروژه‌های کوتاه مدت، از هر نوع در هر کشور اعم از توسعه یافته یا در حال توسعه به دلیل تأثیراتی که بر وضعیت کلی اقتصادی و اجتماعی می‌گذارد، از اهمیت بالایی برخوردار است و این طرح‌ها می‌تواند مشکلات بفرنجی که کشور با آن روبروست را کاهش دهد (سرم، ۲۰۱۱: ۱۰۳). اهمیت پروژه‌های کوتاه مدت در رویکرد و عملکرد کشورهای بزرگ و کوچکی که این طرح‌ها را اجرا کرده‌اند نمایانگر می‌شود همچون ایالت متحده آمریکا در سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۸ با تمرکز بر ارائه و حمایت از پروژه‌های کوچک، بیش از (۱۵) میلیون فرصت شغلی فراهم نمود، زیرا شرکت‌های کوچک در حال حاضر بیش از ۱۰ درصد از نیروی کار آمریکا و در اتحادیه اروپا را جذب می‌کنند. شرکت‌های کوچک تقریباً بیش از ۷۵ درصد از بازار کار را تشکیل می‌دهند و ژاپن، چین و ایتالیا در طی مدت زمان طولانی به پروژه‌های کوتاه مدت توجه خود را معطوف نمودند (رائد، عبیس، ۲۰۱۴: ۱۴۵). وام‌های کوتاه مدت در نوع خود یک ابتکار در سیاست مالی اقتصاد عراق به شمار می‌رفت (مسلم، ۲۰۱۲: ۱۳۹). بدین ترتیب که در این پروژه‌ها، صاحب پروژه شخصاً مدیریت کار را بر عهده می‌گرفت و شخصاً بر جنبه‌های مالی و بازار یابی نظارت می‌کرد. از سوی دیگر این پروژه‌ها در زمان تاسیس نیاز به سرمایه زیادی نداشته و اغلب متکی به پس‌انداز مالی خانواده‌ها و وام‌های کوچک بود. نکته مهم دیگر در این ارتباط انعطاف و توانایی این پروژه‌ها در سازگاری با موقعیت‌ها و شرایط محیطی موجود و سهولت تغییر خط تولید یا نوع فروش آن بود. از سوی دیگر به دلیل سادگی تکنولوژی به کار گرفته شده در این پروژه‌ها، کارگران نیازی به آموزش بالا برای کار در این پروژه‌ها نداشتند (مناهل، سهیله، ۲۰۱۳: ۲۱۳). با این حال این سیاست‌ها نیز در عمل به حل مشکلات نینجامید و در عمل نیز به دلایل مختلف سیاست‌هایی که برای توسعه طرح‌های اقتصادی کوچک و زودبازده در نظر گرفته شده بود پس از مدت کوتاهی به فراموشی سپرده شد.

۴- علل شکست سیاست های مالی دولت عراق در دوره پس از سقوط صدام

اگرچه دولت طرح های اقتصادی و سیاست های مالی متعددی را برای برون رفت از مشکلات اقتصادی در دوره پس از سقوط صدام به کار گرفت اما به دلیل تعدد و پیچیدگی مشکلات این سیاست ها و طرح ها اکثراً با مشکلات عدیده ای روبرو شد. همانطور که گفته شد دولت عراق پس از سقوط صدام با چالش های اقتصادی و اجتماعی فراوانی روبرو بود. در این دوره، سیاست های مالی متعددی ارائه شد که هدف آن ها بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی کشور بود. اما با گذشت زمان، مشخص شد که اکثر این سیاست ها به دلیل فاکتورهای مختلف نتوانسته اند به اهداف خود برسند و غالباً با شکست مواجه شدند.

یکی از دلایل اصلی شکست این سیاست ها، عدم وجود یک برنامه جامع و استراتژیک برای مدیریت اقتصاد بود. بسیاری از سیاست ها به صورت سطحی و بدون بررسی جامع نیازهای واقعی اقتصاد اجرا می شدند. این فقدان استراتژی به دولت اجازه نمی داد که به طور هدفمند به مسائل اقتصادی بپردازد و به جای آن، سیاست ها به صورت واکنشی و بر اساس فشارهای آنی و شرایط مقطعی طراحی شدند (هادی، الخفاجی، ۲۰۰۸: ۱۱۰).

علاوه بر این، ضعف زیرساخت ها و ناپایداری سیاسی که پس از سقوط صدام پابرجا بود، موجب ایجاد بی اعتمادی در سرمایه گذاران و شهروندان شد. بی ثباتی سیاسی موجب شد که بسیاری از طرح های مالی هرگز به مرحله اجرا نرسند یا در میانه راه متوقف شوند. این شرایط، امر مالی سازی و جذب سرمایه های خارجی را نیز پیچیده کرد و بسیاری از فرصت های اقتصادی از دست رفت.

عوامل فساد اداری و مالی یکی دیگر از دلایل شکست سیاست های مالی دولت عراق بودند. فساد در سطح های مختلف به شدت ریشه دوانده و بسیاری از منابع مالی به جای اینکه صرف بهبود زیرساخت ها و خدمات عمومی شود، به جیب عده ای خاص می رفت. این موضوع نه تنها به عنوان یک مانع برای پیشرفت اقتصادی عمل کرد، بلکه به کاهش اعتماد عمومی نسبت به دولت و نهادهای آن منجر شد (هادی، الخفاجی، ۲۰۱۳: ۱۱۲).

به علاوه، دشواری های بروکراتیک و عدم شفافیت در فرآیندهای دولتی نیز مزید بر علت شدند. بسیاری از طرح های مالی با پیچیدگی های اداری مواجه شدند که باعث شدند اجرای این طرح ها بسیار کند و یا حتی متوقف شود. این بروکراسی سنگین و عدم کارایی در سیستم، به عدم تحقق اهداف توسعه ای دولت دامن زد. سیاست های مالی ناپایدار و غیرقابل پیش بینی با توجه به نوسان قیمت های نفت و وابستگی شدید اقتصاد عراق به این منبع، موجب شدند که تلاش ها برای تنوع اقتصادی به نتیجه نرسد. عدم تنوع در منابع درآمدی، به دولت اجازه نمی دهد که در شرایط بحرانی به منابع دیگری تکیه کند و موجب فرسودگی مداوم منابع مالی می شود. علاوه بر این، بی توجهی به نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم نیز یکی از دلایل شکست این سیاست ها بود. بسیاری از طرح های پیشنهادی به نیازهای واقعی جامعه توجه لازم را نداشتند و به همین دلیل هم نتایج مثبتی به همراه نداشتند. این نادیده انگاری در نهایت به نارضایتی عمومی و افزایش تنش های اجتماعی منجر شد. مسائل امنیتی که در سال های پس از ۲۰۰۳ به اوج خود رسید، نیز بر روی سیاست های مالی تأثیرگذار بود. خشونت ها و بی ثباتی های ناشی از گروه های تروریستی، نه تنها سرمایه گذاری های خارجی را کاهش داد، بلکه به منابع داخلی نیز آسیب جدی وارد کرد. این وضعیت به شدت بر روی تلاش های بنیادی اقتصادی تأثیر گذاشت (سالم، ۲۰۱۳: ۵۸).

توجه ناکافی به مسائل حقوق بشری و اجتماعی نیز در این دوره مانع از رشد مثبت سیاست های مالی شد. حقوق بشر و تأمین نیازهای اساسی مردم در بسیاری از سیاست ها مد نظر قرار نگرفت و این موضوع به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی ضربه زد. عدم توجه به این ابعاد، موجب افزایش بحران های اجتماعی و نارضایتی های عمومی شد. نهایتاً می توان گفت که شکست سیاست های مالی دولت عراق در دوره پس از سقوط صدام به دلایل متعددی برمی گردد که شامل عدم برنامه ریزی جامع، فساد اداری، بروکراسی سنگین، بی ثباتی سیاسی و ضعف زیرساخت ها می شود. این چالش ها باعث شدند که دولت نتواند به طور مؤثر از منابع خود بهره برداری کند و در نتیجه، مردم عراق همچنان با مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پنجه نرم کنند (الحلفی، ۲۰۰۸: ۷۱).

۵-تأثیر شکست سیاست‌های مالی دولت عراق بر حقوق شهروندی در این کشور

همانطور که پیش از این اشاره شد سیاست‌های مالی یک کشور به طور مستقیم بر حقوق شهروندی تأثیر می‌گذارند، زیرا این سیاست‌ها تعیین‌کننده نحوه توزیع منابع، فرصت‌ها و خدمات عمومی در جامعه هستند. هنگامی که دولت‌ها تصمیم به تعیین بودجه و صرف هزینه‌های عمومی می‌گیرند، در حقیقت در حال تعیین اولویت‌ها و مقاصد خود برای بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی هستند. اگر این سیاست‌ها به نفع گروه‌های خاصی طراحی شوند و از عدالت اجتماعی دور باشند، حقوق شهروندان دیگر به درستی رعایت نمی‌شود.

علاوه بر این، سیاست‌های مالی به ایجاد زیرساخت‌ها و خدمات عمومی نیاز دارند که به عنوان حقوق اساسی انسان‌ها شناخته می‌شوند. اگر دولت در تأمین این زیرساخت‌ها ناکام باشد، به طور مستقیم بر حقوق شهروندان مانند حق دسترسی به آموزش، بهداشت و دیگر خدمات اولیه تأثیر می‌گذارد. به عبارتی، عدم سرمایه‌گذاری کافی در این حوزه‌ها می‌تواند منجر به نقض حقوق اولیه شهروندان گردد. از سوی دیگر، شفافیت و پاسخگویی در سیاست‌های مالی می‌تواند نقش حیاتی در حفاظت از حقوق بشر ایفا کند. اگر فرایندهای مالی شفاف و پاسخگو نباشند، احتمال فساد مالی افزایش می‌یابد و این امر می‌تواند به عدم دستیابی گروه‌های آسیب‌پذیر به منابع و خدمات منجر شود. فساد اداری و مالی باعث می‌شود که منابع به نفع عده‌ای خاص صرف شود و نابرابری‌ها بیشتر شود (ناهد، ۲۰۱۲: ۱۸).

حمایت از مشاغل و ایجاد فرصت‌های اقتصادی نیز وابسته به سیاست‌های مالی است. اگر دولت‌ها از طریق سیاست‌های مالی به حمایت از رشد اقتصادی و ایجاد شغل جدید توجه نکنند، به تبع آن حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بیکاری و عدم وجود فرصت‌های شغلی می‌تواند به فقر و نارضایتی منجر شود، که در نهایت به نقض حقوق شهروندی دامن می‌زند. تغییرات در سیاست‌های مالی نیز می‌تواند تأثیرات عمیقی بر شرایط معیشتی مردم داشته باشد. افزایش مالیات‌ها، کاهش هزینه‌های عمومی و یا تغییر در سیاست‌های رفاهی می‌تواند به کاهش کیفیت زندگی شهروندان منجر شود. این تغییرات می‌توانند موجب نارضایتی عمومی شوند و به ریسک تنش‌های اجتماعی و حتی اعتراضات منجر شوند. سیاست‌های مالی همچنین می‌توانند بر ظرفیت دولت در مدیریت بحران‌ها تأثیر بگذارند. در مواقع بحران یا بلایای طبیعی، وجود منابع مالی کافی می‌تواند به دولت کمک کند تا به سرعت به نیازهای اضطراری پاسخ دهد. در غیاب این منابع، حقوق بشر به شدت به خطر می‌افتد، چرا که شهروندان در شرایط سخت ممکن است از خدمات و حمایت‌های لازم محروم شوند (Al-Issa, 2022: 82). سیاست‌های مالی همچنین به واکنش به نیازهای جامعه نیاز دارند. اگر دولت نتواند به نیازهای واقعی و فوری مردم توجه کند و سیاست‌های مالی خود را با تغییرات اجتماعی هماهنگ کند، حقوق شهروندان نمی‌تواند به درستی تأمین شود. این موضوع به ویژه در جوامع چند فرهنگی و متنوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، جایی که گروه‌های مختلف ممکن است نیازهای خاص خود را داشته باشند. بدیهی است که مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری مالی نیز بسیار مهم است. اگر افراد نتوانند در تعیین سیاست‌های مالی و نحوه صرف منابع مشارکت داشته باشند، احساس بی‌قدرتی و بی‌احترامی به حقوق خود می‌کنند. این عدم مشارکت می‌تواند به کاهش اعتماد عمومی به دولت و نهادهای آن منجر شود و خود به نقض بیشتر حقوق بشر دامن بزند.

شکست سیاست‌های مالی دولت عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۴ تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر حقوق شهروندی در این کشور داشته است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این شکست، نابرابری اقتصادی و اجتماعی فزاینده‌ای است که در نتیجه توزیع نادرست منابع به وجود آمده است. سیاست‌های مالی ناکارآمد دولت، موجب شده تا بخش‌های معطل و آسیب‌پذیر جامعه نتوانند به فرصت‌های برابر دسترسی پیدا کنند و این نشان‌دهنده نقض حقوق اقتصادی و اجتماعی مردم است (Al-Obaidi, 2020: 42). توزیع ناعادلانه منابع و عدم توجه به نیازهای اساسی جامعه، زمینه‌ساز افزایش فقر و بیکاری در عراق شده است. زمانی که سیاست‌های مالی نتوانند حمایت‌های لازم را از اقشار آسیب‌پذیر به عمل آورند، حقوق آنها در زمینه تأمین معیشت، سلامت

و آموزش به شدت تحت آسیب قرار می گیرد. این وضعیت می تواند برای نسل های آینده مشکلات جدی ایجاد کند و موقعیت اقتصادی و اجتماعی این گروه ها را به خطر بیندازد.

یکی دیگر از پیامدهای شکست سیاست های مالی در عراق، فساد مالی گسترده است که موجب کاهش اعتماد به نهادهای دولتی و از دست رفتن حقوق شهروندی می شود. در شرایطی که منابع مالی به صورت ناعادلانه توزیع می شوند و نظارت مؤثری بر روی این فرآیند وجود ندارد، طبیعی است که مردم نتوانند به حقایق حقوقی و اقتصادی خود دست یابند. این فساد نه تنها منابع انسانی و مالی را هدر می دهد، بلکه به تبعات منفی اجتماعی نیز می انجامد (Hamza, 2023: 16).

علاوه بر فساد، عدم شفافیت در فرآیندهای مالی و اقتصادی نیز بر روی حقوق شهروندان تأثیر گذاشته است. اگر مردم نتوانند از نحوه هزینه کرد بودجه عمومی و منابع مالی مطلع شوند، حق نظارت بر فرآیندهای دولتی از آنان سلب می شود. این فقدان شفافیت به بی اعتمادی عمومی دامن می زند و مشارکت شهروندان در تصمیم گیری های مالی را به شدت محدود می کند، که خود نقضی دیگر بر حقوق بشر در کشور است.

بروکراسی پیچیده و ناکارآمد نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر در شکست سیاست های مالی بود که موجب نقض حقوق شهروندی شد. فرآیندهای اداری طولانی و پیچیده به معنای عدم دسترسی شهروندان به خدمات عمومی و اجتماعی در زمان مناسب است. این مشکلات به ویژه در زمینه دریافت خدمات بهداشتی، آموزشی و رفاهی آشکار است و باعث می شود که حقوق افراد به درستی تأمین نشود (Zeyad, 2024: 95). علاوه بر این، ناهماهنگی بین سیاست های مالی و نیازهای واقعی جامعه به یکی از بحرانی ترین مسائل تبدیل شده است. دولت نتوانسته است به خوبی نیازهای مردم، به ویژه در مناطق جنگ زده و آسیب پذیر را شناسایی و در سیاست های مالی خود لحاظ کند. این موضوع منجر به عدم تأمین خدمات اساسی و کیفیت زندگی نامناسب برای بسیاری از عراقی ها شده است و حقوق شهروندی آنها را به چالش کشیده است. سیاست های مالی ناکافی در زمینه تأمین امنیت نیز تأثیرات منفی بر حقوق بشر داشته است. با توجه به چالش های امنیتی که عراق با آن روبرو بوده، عدم تخصیص منابع کافی برای تقویت امنیت عمومی و حمایت از اقلیت آسیب پذیر، به تأسیس زمینه های جدید برای نقض حقوق بشر دامن زده است. در نتیجه، شهروندان در برابر تهدیدات امنیتی و نقض حقوق خود آسیب پذیرتر شده اند (Kadhim, 2021: 152). همچنین، سیاست های مالی ناپایدار و واکنشی در مقابل شرایط بحرانی نیز زمینه ساز افزایش تنش های اجتماعی شده است. این وضعیت ممکن است منجر به اعتراضات و شورش های اجتماعی شود که خود بیانگر نارضایتی عمومی و عدم رعایت حقوق شهروندی است. در چنین شرایطی، دولت ها به جای پاسخگویی مثبت، ممکن است به سرکوب و محدودیت آزادی های مدنی متوسل شوند. کوتاه سخن اینکه این وضعیت نه تنها به نارضایتی شدید اجتماعی انجامیده، بلکه به ضعف در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی کشور نیز انجامیده است. در نهایت، برای بهبود این شرایط، نیاز به کارشناسی مجدد و به روزرسانی سیاست های مالی به گونه ای که حقوق شهروندان را در اولویت قرار دهد، احساس می شود.

۶- نتیجه

همانگونه که سیاست مالی، ابزاری اصلی در تقویت سازوکارهای ملی و پرداختن به مشکلات و چالش های سیاست گذاری عمومی و اقتصادی به شمار می رود، در عین حال عاملی تأثیرگذار در تحقق آزادی ها و حقوق شهروندی نیز به حساب می آید. عراق در دوره پس از ۲۰۰۳ مانند سایر کشورها، نهادها و قوانین تنظیم کننده حقوق و آزادی ها را تدوین نمود. دولت عراق همچنین تلاش کرد تا با مدیریت سیاست های مالی توسط قوه مجریه پس از تصویب آن توسط قوه مقننه، اصلاحات اقتصادی را به پیش برده و مشکلات متعددی که فراروی جامعه و مردم عراق بود را از پیش رو بردارد. اما موانع و مشکلاتی که این اصلاحات را با مشکل مواجه کرد از جمله فقر، بیکاری، تورم، عدم تعادل ساختاری، فساد افسارگسیخته و موارد دیگر این حقیقت را آشکار کرد که حقوق شهروندی به طور مطلق و غیرقابل کنترل اعمال نمی شود؛ بلکه به صورت مشروط و مشخص و بر اساس مقتضیات زمانی و مکانی حاصل می شود و این مقوله به شدت با محدودیت های امنیت ملی و سایر محدودیت های مربوط به

منافع عمومی یا نظم عمومی در ارتباط است و بدون درک این ارتباط امکان تحقق ثبات اقتصادی و تحقق حقوق بشر عملاً امکان پذیر نیست.

اقتصاد عراق با رانت گرایی تک منبعی شناخته می شود و از دهه های گذشته و تا به امروز دولتهای مختلف ناتوانی خود را در رهایی از الگوی اقتصاد رانتی به اثبات رسانده اند و بودجه عمومی دولت همچنان وابسته به درآمدهای نفتی است و این مشکل بزرگی در پیش روی خصوصی سازی و الگوی اقتصاد باز است که سیاست های مالی دولت عراق پس از ۲۰۰۳ تلاش در عملی ساختن آن داشته است.

اقتصاد عراق پس از گذشت بیش از دو دهه از سقوط صدام هنوز شکننده و ضعیف است و قابلیت تطبیق سیاست های مالی اصلاحی خود را با وضعیت شکننده جامعه عراق که نیازمند حمایت های سنتی یک دولت رانتیر است ندارد. البته باید این امر را در نظر گرفت که عراق در کاهش بدهی های خارجی و منهل نمودن برخی از این بدهی ها و آزاد سازی تجارت موفقیت اندکی داشته است؛ اما در زمینه خصوصی سازی، حکومت داری، رسیدگی به عدم تعادل ساختاری و مبارزه با فساد عملاً شکست خورده است. باید در نظر داشت که برنامه های اصلاحی اقتصاد عراق با موانع و چالش های سیاسی، امنیتی و اجتماعی مواجه بوده و تداوم اجرای این برنامه ها، نتایج زیان باری را در بر داشت که این امر در شکست برنامه های توسعه حقوق بشر در عراق منعکس شده است. افزایش چشمگیر نرخ فقر و بیکاری که ناشی از ناتوانی دولت بنگاههای اقتصادی و صنایع تحت کنترل دولت در جذب این نیروی کار بود، به عدم تعادل پیچیده در ساختار تولید و منابع منجر شد. مشارکت ضعیف بخش خصوصی در بخش های تولید و خدمات نیز نتوانست به جذب موفق نیروی کار مازاد رو به رشد کمک کند و همین مساله دولت را مجبور کرد تا به سیاست های حمایتی خود که در تضاد با سیاست های مالی اصلاحی بود ادامه دهد و این مساله فشار عظیمی را بر دولت و بودجه عمومی کشور وارد آورد.

از طرفی سیاست های ناکارآمد، موجب شدند که اقشار آسیب پذیر جامعه نتوانند به فرصت های برابر دسترسی پیدا کنند و این نقض واضحی از حقوق اقتصادی و اجتماعی آنها به شمار می آید. به علاوه، فساد مالی گسترده در تنش های سیاسی و اجتماعی و برداشت نادرست از منابع، اعتماد عمومی به نهادهای دولتی را کاهش داده و به نوعی نادیده گرفتن حقوق شهروندان منجر شده است. عدم شفافیت و بروکراسی پیچیده در فرآیندهای مالی نیز تأثیرات منفی بر حقوق شهروندی داشته است. مردم که از نحوه هزینه کرد بودجه های عمومی بی خبرند، احساس بی قدرتی و عدم مشارکت در تصمیمات دولتی می کنند. این سوءمدیریت و فقدان شفافیت، فرصتی برای مشارکت مؤثر جامعه در فرآیندهای اقتصادی و مالی را محدود کرده و به تنگناهای بیشتری برای دریافت خدمات و حمایت های لازم منجر شده است. چنین وضعیتی به نوعی نقض حق نظارت و دسترسی به اطلاعات عمومی است که جزء اصول اولیه حقوق بشر به شمار می آید.

افزون بر این، ناهماهنگی بین سیاست های مالی و نیازهای واقعی جامعه نیز یکی از جنبه های بحرانی در این ضعف است. دولت به دلیل عدم شناسایی دقیق نیازهای اجتماعی، به ویژه در مناطق بحرانی و جنگ زده، نتوانسته انتظارات مردم را برآورده کند. این کمبود تأمین خدمات اساسی نظیر بهداشت، آموزش و امنیت به شکاف های اجتماعی دامن زده و احساس نابرابری را در بین گروه های مختلف جامعه افزایش داده است. به همین دلیل، حقوق شهروندان در زمینه های مختلف تحت تأثیر قرار گرفته و احساس نارضایتی عمومی را به همراه داشته است. در نهایت، شکست سیاست های مالی و اثرات آن بر حقوق شهروندی در عراق نشان دهنده نیاز به بازنگری جدی در اصول مدیریتی و اقتصادی کشور است. تنها با انجام اصلاحات بنیادین و ایجاد شفافیت در فرآیندهای مالی می توان به تقویت حقوق شهروندی و ایجاد فرصت های برابر در جامعه دست یافت. توجه به نیازهای واقعی مردم در سیاست گذاری ها و اجرای مؤثر آنها، کلید تحقق حقوق بشر و بهبود کیفیت زندگی در عراق خواهد بود.

منابع

-ابراهیم، خلیل اسماعیل، (۲۰۱۱). آثار الضرائب علی الاستثمار فی العراق. دار الکتب العربیة.

- توفیق عباس، عبد عون، صفاء عبد الجبار، علی، (۲۰۱۱). نموذج مقترح لتطوير البطاقة التموينية، المجلة العراقية للعلوم الاقتصادية والإدارية، دار العلم، العدد ۳۸.
- الحلفی، عبد الجبار، (۲۰۰۸). الاقتصاد النفطي والاختلال الهيكلي، مركز العراق للدراسات البيئية، العراق - بغداد، الطبعة الأولى.
- خضر، عباس وعلاء، عكاب، (۲۰۱۱). البطاقة التموينية وتحليل الواقع والخيارات، بيت الحكمة، مجلة دراسات اجتماعية، العدد ۵.
- رائد خضير عبيس كاظم، (۲۰۱۴). المشاريع الصغيرة وحاضنات الأعمال ودورها في التنمية الاقتصادية في بلدان مختارة مع إشارة للعراق، رساله ماجستير، كلية الإدارة والاقتصاد - جامعة كربلاء.
- سالم، محمد عبود، سعد، عبد الستار طالب، (۲۰۱۳). الأمن الوطني والتنمية، دار الدكتور للعلوم، الطبعة الأولى، بغداد.
- سرمد عباس، جواد، (۲۰۱۱). البعد الاجتماعي للسياسة النقدية في العراق، بيت الحكمة، مجلة دراسات اقتصادية، العدد 26.
- سلام، عبد علي، مثال، عبدالله غني، (۲۰۱۲). السياسة الاجتماعية في العراق (جدل دولة الرفاه والاقتصاد)، مجلة دراسات اجتماعية، العدد ۲۹.
- سعيد، علي عبدالمحمد، (۲۰۰۱). التمكين الاقتصادي والتنمية البشرية ومهام السياسة الاقتصادية، دراسات في التنمية البشرية المستدامة في الوطن العربي، بيت الحكمة، الطبعة الأولى.
- سالم محمد عبود، سعد عبد الستار طالب، الأمن الوطني والتنمية، دار الدكتور للعلوم، الطبعة الأولى، بغداد، ۲۰۱۰، ص ۵۸.
- سلام، مها رحيم، (۲۰۱۲). شبكة الحماية الاجتماعية والأمن الإنساني في العراق في إطار السياسة الاجتماعية، مجلة كلية التربية للبنات، العدد ۴.
- سليم، عماد عبد اللطيف، (۲۰۱۲). النظام الاقتصادي في دساتير الدولة العراقية (1925 - 2005)، مجلة دراسات اقتصادية، العدد 27.
- عدى سلام، على الطائي، (۲۰۰۸). واقع شبكة الحماية الاجتماعية في العراق وامكانيات تطويرها، مجلة بحوث مستقبلية، العدد ۲۴.
- العاني، أسامة عبد المجيد، (۲۰۱۳). أساليب التمويل الأصغر في العراق واقع وتحديات، بيت الحكمة، مجلة دراسات اقتصادية، العدد ۲۹.
- عصام، عبد الخضر، (۲۰۱۵). دور الموازنة العامة في تحقيق التنمية المستدامة في المنطقة العربية، مجلة كلية بغداد للعلوم الاقتصادية الجامعة، العدد ۴۵.
- عصام، عبد الخضر، (۲۰۱۵). دور الموازنة العامة في تحقيق التنمية المستدامة في المنطقة العربية، مجلة كلية بغداد للعلوم الاقتصادية الجامعة، العدد ۴۵.
- مسلم، علي عبد العلي، (۲۰۱۴). نحو إستراتيجية فعالة للتنمية الاقتصادية في العراق، مجلة جامعة الانبار للعلوم الاقتصادية والإدارية، عدد خاص، المؤتمر العلمي الثاني.
- مسلم، مها رحيم، (۲۰۱۲). شبكة الحماية الاجتماعية والأمن الإنساني في العراق في إطار السياسة الاجتماعية، مجلة كلية التربية للبنات، العدد ۴.
- مناهل، مصطفى عبد الحميد، سهيلة نجم، عبود، (۲۰۱۳). دور التمويل في دعم المشاريع الصغيرة في العراق، مجلة العلوم الاقتصادية والإدارية، العدد ۷۰.

- منعم احمد، خضر وسعد صالح، عیسی و یاسین موسی، جاسم، (۲۰۱۳). أزمة بطالة الخريجين في العراق وسبل مواجهتها، مجلة دراسات اقتصادية، العدد ۳۰.
- مها رحيم مسلم، (۲۰۱۲). شبكة الحماية الاجتماعية والأمن الإنساني في العراق في إطار السياسة الاجتماعية، مجلة كلية التربية للبنات، العدد ۴.
- ناهدة عبد الكريم، (۲۰۱۱). السياسة الاجتماعية في العراق، بيت الحكم، العراق - بغداد، الطبعة الأولى.
- ناهي الحمداني، احمد عبدالله، (۲۰۱۸). صلاحيات رئيس الجمهورية في الدستور العراقي الدائم، مجلة قضايا سياسية، العدد ۵۰، كلية العلوم السياسية، جامعة النهرين، ۲۰۱۸.
- نيري وودز، (۲۰۱۰). قلاع العولمة عن (صندوق النقد الدولي، والبنك الدولي، والمقترضين)، ترجمة محمد رشدي محمد سالم، ط ۱، القاهرة، المركز القومي للترجمة، ۲۰۱۰.
- هادي، زينب، نعمة الخفاجي، (۲۰۰۸). شبكات الحماية الاجتماعية وتأثيرها الحد من ظاهرة الفقر في بلدان مختارة، رسالة ماجستير، جامعة كربلاء، كلية الإدارة والاقتصاد.
- هلال، جودة، عيسى، رجاء عبدالله، (۲۰۱۰). العلاقة بين النمو الاقتصادي والبطالة في العراق باستخدام قانون okyn واختبار Toda - gawaw، القادسية للعلوم الادارية والاقتصاد، كلية الادارة والاقتصاد، جامعة القادسية، العدد ۳.

- Smith, J. (2015). The effects of oil revenues on the socioeconomic conditions of Iraq post-2003, *Journal of Middle Eastern Studies*, 12(3), 45-67.
- Al-Obaidi, H. (2020). Corruption and Economic Inequality in Post-2003 Iraq, *Middle East Journal of Public Policy*, 11(2), 33-50.
- Al-Issa, M. (2022). Financial Mismanagement and Its Consequences for Iraqi Citizens, *Journal of Middle Eastern Economics*, 15(1), 78-92.
- Hamza, R. (2023). Social Inequality and Political Discontent in Iraq: A Financial Perspective, *Review of Middle Eastern Affairs*, 9(1), 12-29.
- Zeyad, B. (2024). The Role of Governmental Financial Policies in Shaping Citizen Rights in Iraq, *Journal of International Development*, 36(1), 91-107.
- Kadhim, W. (2021). The Link Between Economic Policy Failures and Human Rights in Iraq, *Journal of Human Rights and Social Work*, 6(2), 145-159.